

## فصلنامه جهان نوین

No 1, 2018, P 14-36

سال اول، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۷، صص ۱۴-۳۶

(ISSN) : 2645 - 3479

شماره شاپا: (۲۶۴۵ - ۳۴۷۹)

## تبیین اجتماعی سیاست های آموزش عالی با تأکید بر توسعه پایدار در ایران

محمد حسینی<sup>۱</sup>      عبدالطیف کر<sup>۲</sup>

## چکیده

نظام آموزش عالی و نیروی انسانی متخصص، نقشی کلیدی در توسعه پایدار هر جامعه ای ایفا می کند. دانشگاه ها باید به عنوان مکانهای تحقیق و مطالعه برای توسعه پایدار تلاش کنند و آموزش عالی باید بتواند بهترین راه بهره برداری از منابع و امکانات محدود را کسب کند. آنچه در نظام آموزش عالی در مسیر توسعه پایدار از اهمیت ویژه ای برخوردار است سیاست ها، کیفیت محصولات و برون دادهای نظام آموزشی است. الگوواره سنتی توسعه رشد اقتصادی به هر قیمتی است در حالیکه در الگوواره جدید (پایداری)، رشد کیفی با توجه به محیط زیست و عدالت اجتماعی مد نظر قرار گرفته است. به دنبال حصول آموزش عالی به دلیل ضریب تأثیر بسیار بالای خود در آگاهی بخشی و ارتقای قابلیت های مورد نیاز افراد جامعه، ظرفیت لازم برای آغاز جنبش توسعه پایدار را دارد. بدین ترتیب، با ظهور الگوواره پایداری و تغییر فرضیات بنیادین، نظام های آموزش عالی نیز باید ساختارهای خود را در تمام بخش ها به ویژه در حوزه آموزش با شرایط جدید منطبق نمایند. هدف این مقاله بررسی نقش سیاست های آموزش عالی در تحقق برنامه های توسعه پایدار می باشد. در این مقاله مفاهیم توسعه پایدار، ابعاد و اصول توسعه پایدار، ابعاد توسعه پایدار، آموزش عالی و توسعه و در نهایت نقش سیاست های آموزش عالی در توسعه پایدار ارایه شده است.

کلید واژه: توسعه، آموزش عالی، توسعه پایدار

۱. کارشناسی ارشد جامعه شناسی، محقق و پژوهشگر اجتماعی

۲. دانشجوی دکتری مدیریت آموزش عالی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، ایران: latifkor@yahoo.com

## ۱- مقدمه

مفهوم توسعه از علوم طبیعی استخراج و در خصوص فرایند تغییر در جوامع بشری به کار گرفته شده است. واژه توسعه در نخستین کاربردش در زبان‌های فرانسه و انگلیسی در سال ۱۷۵۲ به معنای رسیدن به اهداف یا ایده‌هایی طبق یک طرح یا برنامه بوده است طبق یک طرح یا برنامه بوده است. واژه مذکور در سطح کلان تا نیمه دوم قرن بیستم عملاً با توسعه اقتصادی مترادف بود و پارامترهای اقتصادی از جمله میزان تولید ناخالص داخلی، درآمد سرانه و غیره به عنوان عوامل تعیین کننده توسعه و توسعه یافتگی قلمداد می‌شده است. با این حال، وجود نارسایی‌ها و تناقض‌هایی در بنیان‌های فلسفی و نظری و تجربه‌های عملی توسعه در سطح جهان، به بازنگری در مفهوم توسعه و توجه جدی و اساسی به مسائلی همچون فقر، گرسنگی و سوء تغذیه، نیاز، دوگانگی، نابرابری، وابستگی، مبادله نابرابر، بدهی‌ها، خشونت، جنگ، تروریسم، آلودگی زیست محیطی، از خودبیگانگی، قومیت‌گرایی و نژادپرستی، اهمیت دادن به حقوق بشر و حقوق زنان و کودکان، امنیت بشر، تعادل بوم شناختی و حفظ محیط زیست، صلح، گفت و گو، تفاهم و همبستگی و همکاری در سطوح ملی و بین‌المللی منجر شده است. در واکنش به نارسایی‌های مفاهیم مرسوم توسعه و برای حل مسائل مذکور، پارادایم توسعه پایدار مطرح شده است (ملکی‌نیاو همکاران، ۱۳۹۳).

هدف نهایی توسعه، بهبود سطح زندگی افراد جامعه از طریق کاهش فقر، بیکاری و نابرابری است (Seers, ۱۹۹۶) تا اوایل دهه هشتاد میلادی با حاکم بودن الگوواره رشد، تصور بر این بود که تنها راه رسیدن به توسعه، افزایش رشد اقتصادی است. افزایش رشد اقتصادی نیز منوط به افزایش تولید و مصرف و استفاده بیش از پیش از منابع طبیعی بود. بدین ترتیب، چرخه معیوب رشد اقتصادی، افزایش جمعیت، تخریب منابع طبیعی و آلودگی محیط زیست، تخریب لایه ازن و ... شکل گرفت. سازمان ملل متحد در سال ۱۹۸۳ به منظور رفع مشکلات پیش آمده، کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه " را ایجاد کرد که در گزارش نهایی خود با عنوان «آینده مشترک ما»، رویکرد جدید توسعه پایدار را مطرح ساخت. در این گزارش، توسعه پایدار بدین گونه تعریف شد: «توسعه ای که نیازهای نسل کنونی را بدون در خطر قرار دادن توانایی نسل‌های آینده در رفع نیازهایشان، برآورده می‌سازد» (WED, ۱۹۸۷). بدین ترتیب، به تدریج نشانه‌های ظهور الگوواره پایداری آشکار گشت. جهان که تا آن زمان راهکار همه‌آلام بشر را در رشد بیشتر اقتصادی می‌دید، متوجه شده بود که تولید بیشتر لزوماً نمی‌تواند ضامن رفاه و صلح و خوشبختی انسان‌ها باشد. رشد اقتصادی زمانی پیام‌آور خوشبختی و آرامش خواهد بود که ضمن حفظ حرمت طبیعت و سایر موجودات، حاصل آن به صورت عادلانه در اختیار نسل حاضر و آینده بشر قرار بگیرد. آموزش عالی به دلیل ضریب تأثیر بسیار بالایی که دارد، دارای توانایی لازم برای آغاز حرکتی اساسی به سمت توسعه پایدار می‌باشد (Barlett &

Chase, ۲۰۰۴). تا آنجا که بزرگترین مبلغ هدیه یک خیر به انشگاه کرنل به مبلغ هشتاد میلیون دلار برای حمایت از پژوهش درباره توسعه پایدار بوده است (Carlson, ۲۰۱۰).

از دوران ظهور انقلاب صنعتی و و فرو ریختن دیوار بلند میان آموزشی عالی و جامعه، دانشگاه‌ها با ارائه خدمات آموزشی و پژوهشی متناسب با نیازها و خواست جامعه، مصدر تحولات عظیم صنعتی، اقتصادی و اجتماعی و ... جامعه گردیدند. این تحولات، علاوه بر افزایش تولیدات و رشد اقتصادی و بهبود نسبی سطح رفاه، موجب افزایش بیش از پیش استفاده از منابع، تخریب محیط زیست، فقر، نابرابری‌های اجتماعی، ظهور جنگ‌ها و ناآرامی‌ها و ... نیز گردیده است که به نوبه خود، موجبات ناپایداری توسعه جوامع را فراهم ساخته است. هم اکنون دانشگاه‌های بسیاری در سطح جهان به دنبال تجدید نظر و اصلاح سیاست‌های پیشین خود برای اعمال اصول پایداری در سیاست‌ها و مدیریت خود می‌باشند تا قابلیت‌های ناپایداری را که سال‌ها توسط آموزش عالی ترویج شده بررسی نموده و در نوع رابطه خود با جامعه تجدید نظر نمایند (آراسته و امیری، ۱۳۹۱).

در عصر جدید و در کشاکش رقابت میان جوامع، برتری کشورها به میزان بهره‌مندی آنان از علم و دانش روز بستگی دارد و در نهایت کوشش علمی و برخورداری از فناوری که زاینده نیروی انسانی خلاق و کارآمد، به عنوان اصلی‌ترین عوامل دستیابی به توسعه است. برتری یک کشور بیش از آنکه به منابع طبیعی یا ظرفیت‌های موجود صنعتی متکی باشد، به میزان بهره‌مندی آن کشور از علوم و فنون و به پویایی نظام آموزش عالی آن کشور بستگی دارد (مقدسی و رضوی، ۱۳۹۳). چرا که، موسسات آموزش عالی از یک سو به عنوان حافظ و انتقال دهنده میراث فرهنگی و ارزش‌های حاکم بر جامعه‌اند و از سوی دیگر پاسخگوی نیازهای اجتماعی برای کسب، اشاعه و توسعه دانش و فناوری می‌باشند. "دانشگاه‌ها و مراکز علمی و آموزشی به دلیل نقش علمی و پیشرو آنها به عنوان نهاد پرچمدار رشد و توسعه علمی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جوامع بشری، از آغاز شکل‌گیری از اهمیت خاصی برخوردار بوده‌اند". از این رو سیاست‌های آنها همواره مورد توجه خاص دولت‌ها و ملت‌ها بوده است. نهادهای سیاست‌گذار در حوزه آموزش عالی در تلاشند تا با برقراری مکانیزم‌های سیاستی و حمایتی، تدوین اهداف سیاستی در حوزه نظام آموزش عالی و شناساندن گروه‌های مشخص مورد هدف در اهداف سیاستی، فرآیند توسعه پایدار کشور را بهبود و عملکردها در این زمینه را افزایش دهند (اکبری و همکاران، ۱۳۹۵).

نظام آموزش عالی یکی از حوزه‌هایی است که نیازمند سیاست‌گذاری عمومی است. این نظام به عنوان سیستمی با روابط پیچیده، شامل عناصری است که به دنبال پرورش افرادی است که پیچیدگی‌ها و دشواری‌های ویژه دارند. اکثر صاحب‌نظران برنامه‌های توسعه، تاکید دارند که آموزش عالی یکی از ارکان و عوامل اصلی توسعه به شمار می‌آید و ضروری است برنامه‌ریزی در این بخش دقیق و مبتنی بر اصول باشد. چرا که پیشرفت علم و فناوری در

زمینه‌های مختلف، بر پیچیدگی وظایف و ماموریت‌های نظام آموزش عالی افزوده است (آذر و همکاران، ۱۳۹۲). امروزه اعتقاد عمومی صاحب نظران برنامه ریزی آموزش عالی نیز بر این است که ضمن توجه به خصوصیات ویژه هر دانشگاه به عنوان یک سیستم اجتماعی باز (پیچیده)، کاربرد اصول اساسی برنامه‌ریزی آموزش عالی در سیاست‌گذاری، تعیین اهداف، بیان استراتژی‌ها، تصمیم‌گیری‌ها، پیش‌بینی‌ها، استفاده بهینه از منابع و امکانات انسانی، مالی، فیزیکی و اطلاعات و تدارک سیستم‌های ارزشیابی از ضرورت و اهمیت حیاتی برخوردار است و می‌تواند زمینه ساز کیفیت دانشگاه و محصولات آن و ایفای نقش بایسته و شایسته آن در توسعه ملی گردد. البته، این برنامه‌ریزی از آنجا که در راستای کارکردهای مختلف دانشگاه صورت می‌گیرد باید کلیت نظام دانشگاه را مورد توجه قرار دهد و توسعه دانشگاه را از زاویه این کلیت بررسی نماید (اکبری و همکاران، ۱۳۹۵). با توجه به اهمیت شناخت سیاست‌گذاری در آموزش عالی و توسعه پایدار در سازوکار ملی، پرسشی اساسی مورد نظر این تحقیق این بوده است که سیاست‌های آموزش عالی در تحقق برنامه‌های توسعه پایدار چه نقشی دارد؟

## ۲- توسعه و توسعه پایدار

توسعه از نظر اندیشه‌وران علوم اقتصادی و اجتماعی، به معنای ارتقای مستمر کل جامعه و نظم اجتماعی به سوی زندگی بهتر یا انسانی‌تر است اما «توسعه‌ای که نیازمندی‌های حاضر را بدون لطمه زدن به توانایی نسل‌های آتی در تأمین نیازهای خود برآورده می‌سازد، توسعه پایدار گویند (فراهانی، ۱۳۸۴). از نظر لغوی توسعه یعنی خروج از پوسته و لفاف و در حالت کلی به معنای خارج شدن از وضعیت قبلی می‌باشد (اکبری و همکاران، ۱۳۹۵).

واژه توسعه از قرن هفدهم میلادی وارد زبان انگلیسی شد و ابتدا توسط زیست‌شناسان به جای فرآیند ارگانیکی به کار می‌رفت. واژه توسعه تقریباً از نیمه دوم قرن بیستم در جهان متداول شد (مشایخ، ۱۳۸۲). از دیدگاه اقتصادی توسعه به معنای توانایی اقتصاد ملی برای ایجاد و تداوم رشد سالانه تولید ناخالص ملی قلمداد می‌شود (توادور، ۱۳۷۰) و در آن پارامترهایی از جمله درآمد سرانه، تولیدات صنعتی و غیره به عنوان عوامل تعیین کننده قلمداد می‌شوند (عظیمی، ۱۳۷۱).

مدل‌های توسعه در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم، به پیشنهاد غرب و به ویژه ایالات متحده برای کشورهای صدمه دیده از جنگ جهانی دوم مطرح شد. در این مدل، توسعه مترادف با رشد بود و شاخص محور آن، افزایش تولید ناخالص داخلی، درآمد سرانه و سایر شاخص‌های کمی اقتصادی بود. این متغیرها که ملاک پیشرفت و توسعه کشورها به شمار می‌رفت، به دلیل عدم توجه به کیفیت زندگی انسان تغییر پیدا کرد. در این شرایط، توسعه به رشد مجموعه نظام اجتماعی، هماهنگ با نیازهای اساسی افراد و گروه‌های اجتماعی داخل جامعه و تبدیل وضعیت

نامطلوب گذشته به سوی وضعیت مطلوب تعریف شد. از اینرو توسعه، کلیه عوامل موثر در بهبود شرایط زیستی، یعنی عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه را در بر می‌گیرد. امروزه، محوریت توسعه با فرهنگ، اطلاعات و گسترش توانایی‌هاست. به عبارتی توسعه حرکتی به سوی یک حالت ارزشی است که ممکن است در یک ساختار اجتماعی به دست آید (صادقی و همکاران، ۱۳۹۰).

تغییر رویکرد در توسعه و توجه به انسان و طبیعت تعریف جدیدی را ارائه می‌دهد که به توسعه پایدار معروف است. در رویکرد توسعه پایدار علاوه بر اهمیت دادن به متغیرهای کمی اقتصادی، به جنبه های کیفی زندگی انسان نیز توجه می‌شود. از اینرو امروزه، دیگر ملاک سنجش پیشرفت کشور فقط توسعه اقتصادی نیست و به سایر حوزه‌های مرتبط با انسان که حاصل شرایط اجتماعی- فرهنگی و اقتصادی جوامع است نیز توجه می‌شود. برای مثال، می‌توان به شاخص‌های توسعه پایدار که توسط سازمان ملل معرفی شده است اشاره کرد؛ شاخص‌هایی همچون آموزش، اشتغال ساختار اجتماعی و غیره (هریسون، ۱۳۷۳). توسعه پایدار، ترکیبی از دو واژه است که دو جنبه متفاوت (پیشرفت اقتصادی-صنعتی و کیفیت محیط زیست) را در یک نماد (توسعه پایدار) متحد می‌سازد. به عبارت دیگر دو مفهوم اقتصاد و اکولوژی در کنار هم قرار گرفته و زیربنای استراتژی توسعه پایدار را شکل می‌دهد. آنچه در تعاریف مربوط به توسعه پایدار مشترک است، جنبه پویایی آن، رفع نیازهای اساسی، توجه خاص به حفاظت از محیط زیست و جلوگیری از تخریب و آلودگی آن است (دیرباز و دادگر، ۱۳۸۶). شرط لازم جهت دستیابی به توسعه پایدار، حفظ کارایی در تخصیص منابع و شرط کافی آن عبارت است از:

۱. تقلیل منابع تجدید نشدنی و احیای دوباره و حفاظت از آن

۲. جایگزینی منابع تجدیدپذیر با منابع تجدیدناپذیر؛

۳. ایجاد تعادل در جذب فضولات توسط محیط زیست در مقابل مقدار فضولات وارد شده به محیط زیست (عرب مازار و دادگر، ۱۳۸۲).

## ۲-۱- عوامل رسیدن به توسعه پایدار

مهم‌ترین عوامل رسیدن به توسعه پایدار عبارتند از (منذر، ۱۳۸۴):

- ✓ نیاز به تغییر نهادهای موجود و ایجاد نهادهای جدید؛
- ✓ اولویت‌دادن به سرمایه انسانی به‌ویژه زنان و جوانان در جهت پایداری توسعه؛
- ✓ نقش رهبری در به دوش کشیدن و بالابردن تلاش توسعه‌ای از بالا؛

- ✓ نقش سازمان‌های مدنی اجتماعی برای پیش‌راندن توسعه از پایین به بالا؛
- ✓ اهمیت حقوق بشر و مفهوم و هدف گسترده آن؛
- ✓ آمیختن توسعه با ساختار اجتماعی و فرهنگی؛
- ✓ ارتباط درونی میان پایداری توسعه و اعتماد به نفس.

## ۲-۲- اصول توسعه پایدار

توسعه پایدار هدفی مطلوب برای هر کشور و شهروندان آن است، که علاوه بر جنبه‌ی اقتصادی سایر جنبه‌های زندگی انسان‌ها را نیز در برمی‌گیرد. از همین روست که برنامه‌های توسعه علاوه بر بهبود وضع درآمدها و تولید، تغییرات بنیادی در ساخت‌های نهادی، سیاسی، اجتماعی، اداری و حتی موارد فرهنگی را نیز در لیست اهداف خود دارند (یزدانی و همکاران، ۱۳۹۰) اصول مختلفی از پدیده‌ی توسعه توسط پژوهشگران این حوزه ارایه شده است که در ادامه به برخی از آنها، اشاره می‌شود. اصول توسعه پایدار عبارتند از (دارابی و همکاران، ۱۳۹۲):

- ✓ کنار گذاشتن تصور قدر قدرتی انسان
- ✓ اکوسیستم بسیار مهمتر از درک و تصور فعلی است
- ✓ عدالت و برابری
- ✓ آشتی و توسعه پایدار
- ✓ مشارکت و وفاق
- ✓ مردم محور
- ✓ برنامه جامع حرفه‌ای و تلفیق
- ✓ دید سیستمی و کل‌گرایانه
- ✓ ساخت بر روی آنچه وجود دارد،
- ✓ انعطاف پذیری،
- ✓ استفاده عاقلانه از منابع

✓ تفکر جهانی و عمل محلی

## ۲-۳- ابعاد توسعه و توسعه پایدار

اساساً پایداری، الگوواره‌ای است برای تفکر در مورد آینده، که در آن ملاحظات محیطی، اجتماعی و اقتصادی به منظور ارتقاء کیفیت زندگی، در وضعیتی متعادل با یکدیگر قرار می‌گیرند (WED, ۱۹۸۷) هدف الگوواره سنتی و قدیمی توسعه (رشد)، حصول رشد اقتصادی به هر قیمتی است در حالی که در الگوواره جدید (پایداری)، رشد کیفی با توجه به محیط زیست و عدالت اجتماعی مد نظر می‌باشد. در این رویکرد، انسان و محیط زیست او محور توسعه است و نه رشد اقتصادی با شاخص‌های کمی (Barlett, ۲۰۰۴). تفاوت الگوواره‌های سنتی و جدید توسعه در ذیل مقایسه شده است.

## جدول ۱. تفاوت الگوواره سنتی و جدید توسعه

الگوواره سنتی	الگوواره جدید
حصول رشد اقتصادی به هر قیمت	رشد کیفی، توجه به محیط زیست و عدالت اجتماعی
توسعه توسط دولت برای مردم	توسعه توسط مردم برای مردم
سازماندهی توسعه برای سازمان‌های بزرگ و متمرکز	سازماندهی توسعه توسط تشکل‌های مردمی با تاکید بر توانمند سازی مردم
انتقال فناوری از کشورهای پیشرفته	ایجاد فناوری متناسب و محلی

توسعه پایدار چهار بعد اصلی محیطی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی دارد که همگی در یک بافت منسجم درهم تنیده شده‌اند و به صورت متقابل بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند، بطوری که نمی‌توان آنها را جدای از یکدیگر تصور نمود. به زعم گارسیا (۲۰۱۰) اگر توسعه پایدار را به سقف یک ساختمان تشبیه کنیم، ابعاد محیطی، اقتصادی و اجتماعی، ستون‌های آن را تشکیل می‌دهند که بر فرهنگ جامعه که زیر بنای ساختمان را می‌سازد، استوار شده‌اند (Seers, ۱۹۶۹).

## ۲-۳-۱- بعد محیطی توسعه پایدار

انسان در طول تکامل خود برای رفع نیازهای و نیز افزایش سطح رفاه خود به تدریج از روشی‌ها و ابزارهای تکامل یافته‌تری بهره برده که به استخراج بیشتر و گسترده‌تر منابع و تخریب و آلودگی محیط زیست منجر گشته است. افزایش گازهای گلخانه‌ای، گرم شدن زمین، تخریب لایه ازن باران‌های اسیدی و بیابان‌زایی، نمونه‌هایی از بحران‌های زیست محیطی هستند که موجب نابودی زیست‌گاه‌های حیات وحش، انقراض گونه‌های گیاهی و جانوری گشته است که به گونه‌ای بی‌سابقه، زمین را به عنوان زیستگاه بشر با خطر مواجه کرده است. این مشکلات پیامد رشد شتابان صنعت به منظور رشد اقتصادی است بدون اینکه به آثار زیست محیطی و تخریب منابع تجدید ناپذیر طبیعت و نیز حق نسل‌های دیگر مناطق توسعه نیافته و نیز نسل‌های آینده برای استفاده از منابع طبیعی زمین توجه شود. با توجه به مشکلات روزافزون ناشی از این بی‌توجهی‌ها و به منظور نجات انسان و طبیعت که بقایشان به هم وابسته است چاره‌ای جز این نیست که نگاهمان به طبیعت و منابع موجود تغییر کند. بطوری که نگرش سلطه و هجمه به نگرش سازگاری و احیاء تبدیل شود (زاهدی، ۱۳۸۶).

نشست ملل متحد ریود و ژانیرو در بیانیه پایانی این نشست با عنوان «آیندهای که می‌خواهیم»، بر افزایش سهم انرژی‌های تجدیدپذیر و فناوری‌های پاک و استفاده از معیارهای کارآمدی انرژی در برنامه‌ریزی‌های شهری ساختمان‌ها، حمل و نقل، تولید کالاها و ارائه خدمات و طراحی محصولات برای رسیدن به توسعه پایدار و اصلاح تغییرات جوی تاکید کردند (همان).

نباید از خاطر دور داشت که محیط زیست سالم وابسته به جامعه‌ای سالم است. جوامع سالم پایدارند و از تهی کردن منابع پرهیز می‌کنند. به زعم لاندون (۲۰۰۶) سلامت و محیط زیست مستقل عمل نمی‌کنند و تحت نیروهای عواملی چون ازدیاد جمعیت و فقر قرار دارند. اگر مردم جهان به دنبال سلامتی باشند، دولت‌ها و نهادهای دیگر باید میان فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی با محیط زیست تعادل ایجاد کنند. از دید وی، برای رسیدن به این تعادل رعایت دو اصلی مهم الزامی است: ۱) توسعه اقتصادی که باید نیازهای مردم را برآورده سازد، ۲) پایداری زیست محیطی که منابع طبیعی را برای حال و آینده در نظر گیرد و از آسیب و نابودی غیرقابل جبران محیط زیست پرهیز نماید (Seers, ۱۹۶۹).

در بیانیه ریود و ژانیرو سلامت یک پیش شرط و نتیجه و شاخص توسعه پایدار محسوب شده است. این بیانیه همچنین این نکته را روشن می‌سازد که اهداف توسعه پایدار تنها در صورت کنترل بیماری‌های واگیر و غیر واگیر و دستیابی مردم به سلامت جسمی و روانی امکان پذیر است. توجه به تعیین کننده‌های زیست محیطی سلامت، برای کل جامعه و به ویژه افراد فقیر و آسیب‌پذیر و ایجاد جوامع مولد و سالم ضروری است. در این میانه خطر



بیماری‌های غیرواگیر یکی از چالش‌های عمده برای توسعه پایدار در قرن بیست و یکم محسوب گردیده و بر تقویت نظام‌های بهداشتی با ارائه خدمات عادلانه، پوشش و دسترسی مقرون به صرفه برای پیشگیری، درمان، مراقبت و پشتیبانی مربوط به این بیماری‌ها به ویژه، سرطان، بیماری‌های قلبی-عروقی، بیماری‌های مزمن تنفسی و دیابت تاکید شده است. افزون بر این‌ها، قرات مثبت کاهش آلودگی هوا، آب و استفاده از مواد شیمیایی گوسزد شده است. وضعیت سلامت نه تنها تحت تأثیر مستقیم توسعه اقتصادی و سیاست‌های مؤثر بر درآمد سرانه و توزیع عادلانه آن قرار می‌گیرد بلکه به طور غیر مستقیم از محیط طبیعی نیز تأثیر می‌پذیرد. برای مثال، میتوان پیش بینی کرد که آلودگی آب و هوا و تحلیل رفتن لایه اوزون پیامدهای بهداشتی مستقیم و از سوی دیگر فرسایش خاک با کاهش تولید محصولات کشاورزی و در نتیجه درآمد، ممکن است تأثیری غیر مستقیم، اما احتمالاً عمیق بر سلامت داشته باشند. در این میانه کشورهای در حال توسعه، در موقعیتی آسیب پذیرتر هستند. از سویی، هنوز درگیر مسائل سنتی بهداشتی‌اند که سال‌ها است در کشورهای صنعتی مرتفع شده‌اند و از سوی دیگر به دلیل تغییرات در محیط زیست طبیعی و همچنین مشکلات جدید اقتصادی با مسائل عمده بهداشتی روبرو هست (آراسته و امیری، ۱۳۹۱)

### ۳-۲-۲- بعد اقتصادی توسعه پایدار

آدم اسمیت در سال ۱۷۶۱ بر این عقیده بود که دستی نامرئی اقتصاد را کنترل م یکنند. از نظر وی این دست نامرئی در جامعه ای بیشاری کارایی را خواهد داشت که از شرایط رقابت کامل برخوردار باشد. به نظر اسمیت اگر افراد در کسب نفع شخصی آزاد گذاشته شوند و هر فرد بتواند بدون مانع نفع شخصی خود را تامین کند آنگاه منافع اجتماع هم به بهترین شکل حاصل خواهد شد. زیرا اجتماع چیزی جز مجموع افراد تشکیل دهنده آن نیست. بنابراین منافع فرد و اجتماع هماهنگ و همسو است. بدین ترتیب تا اوایل دهه ۷۰ اعتقاد بر این بود که افزایش تولید موجب افزایش درآمد و مصرف خواهد شد. که همین امر موجب حذف نابرابری‌های اجتماعی خواهد گردید. در واقع رشد تولید ناخالص ملی (GNP) هدف و میزان توسعه در نظر گرفته می‌شد. اما مشاهده شد که علی‌رغم سرعت رشد اقتصادی، مشکلاتی چون بیکاری، اشتغال ناقص و فقر حل نشد. بنابراین دانشمندان و سیاست‌گذاران بر آن شدند تا هدف توسعه اقتصادی و اجتماعی را ارزیابی کنند. سیرز در سال ۱۹۹۹ توسعه را به عنوان فرایندی اقتصادی که هدف آن کاهش فقر، نابرابری و بیکاری است تعریف کرد. سازمان بین‌المللی کار نیز در سال ۱۹۹۹ برنامه اشتغال جهانی را به منظور افزایش استاندارد زندگی و رفاه افراد فقیر به اجرا درآورد (Seers, 1969). بدین ترتیب از دهه ۸۰، مفهوم توسعه از مفهوم رشد یا همان تولید و مصرف متمایز گردید. هم اکنون توسعه، فرایندی در نظر گرفته می‌شود که استانداردهای زندگی همه گروه‌ها را از طریق توجه به پیامدهای اجتماعی اقتصاد همچون تأثیرات آن بر

محیط زیست، توزیع ثروت و رفاه انسان در جامعه بهبود می‌دهد و قادر است تا پیشرفت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را به وجود بیاورد.

### ۳-۲-۳- بعد اجتماعی توسعه پایدار

اقتصاددانان کلاسیک سرمایه داری، فرضیات اخلاقی سودگرایی را به عنوان تنها رویکرد منطقی، اخلاقی می‌دانند. هدف سودگرایی، حداکثر نمودن کل سود است. اما بیشتر فلاسفه، سودگرایی را اخلاقی زشت می‌دانند زیرا سودگرایی، محدودیت منابع، هویت افراد، یا اخلاق بین نسل‌ها را در نظر نمی‌گیرد. از منظر اقتصادی، دالی معتقد است که مشکل سودگرایی این است که به دنبال حداکثر نمودن دوگانه غیرممکنی است، زیرا در یک جهان محدود، یا باید کالای کمتری در اختیار افراد بیشتری قرار بگیرد و یا کالای بیشتری در اختیار افراد کمتری قرار بگیرد. بدین ترتیب، مهم‌ترین اصل در نگرش‌ها، تعیین اولویت‌ها و جهت‌دهی به رفتارها، اصلی منافع شخصی است و چون فرمانروایی این اصلی در کلیه موارد صادق است، آن را «اصل آهنین» نام نهاده‌اند (زاهدی، ۱۳۸۶) اما برابری درون نسلی و میان نسلی، در مقابل منافع شخصی قرار می‌گیرد زیرا برابری درون نسلی به توزیع عادلانه منابع در میان افراد موجود مربوط می‌شود و برابری میان نسلی با توزیع عادلانه منابع میان نسل‌ها ارتباط دارد. با این حال هر چند که توزیع عادلانه و برابر منابع بین نسل کنونی و نسل‌های آینده از نظر اجرا، رویکرد اخلاقی ساده‌ای نیست، انا برای سعادت انسان‌ها ضروری می‌باشد. زیرا نابرابری درون نسلی که مهم‌ترین بعد اجتماعی - اقتصادی توسعه پایدار است به فقر منجر می‌شود که پیامدهای آن عبارت است از: فقدان درآمد، گرسنگی، دسترسی به آموزش، بهداشت پایین و بیماری، محرومیت اجتماعی. روبه رو شدن با این مسائل باید نسل کنونی را به تفکر درباره آثار تصمیمات و فعالیت‌هایش بر سرنوشت آیندگان وا دارد (Seers, 1969).

### ۳-۲-۴- بعد فرهنگی توسعه پایدار

فرهنگ، شیوه زندگی گروهی از مردم تعریف می‌شود. این قواعد (فرهنگ)، دربرگیرنده ارزش‌ها، باورها، نگرش‌ها و رفتارهای مشترک میان افرادی است که با یکدیگر کار می‌کنند. در واقع، فرهنگ، محیطی است که افراد را در هر لحظه احاطه کرده است و تعیین کننده نگاه انسان به پدیده‌ها، سبک زندگی و رفتار آنهاست. بنابراین شیوه برخورد افراد نسبت به مسائل زیست محیطی، اقتصادی و اجتماعی نیز تحت تأثیر فرهنگ خواهد بود. فرهنگ امری اکتسابی و آموختنی است. ارزش‌ها، باورها و رفتار افراد را می‌توان با استفاده از ابزار آموزش تحت تأثیر قرار داد و در جهت مورد نظر اصلاح نمود. بدین ترتیب آموزش ابزاری است که با استفاده از آن می‌توان ابعاد گوناگون توسعه پایدار را که ریشه در فرهنگ جامعه دارند. در جهت تحقق توسعه پایدار اصلاح نمود. از آنجا که بافت و فرهنگ

محلی تأثیر زیادی بر ابعاد توسعه دارد. توسعه پایدار در سطح جهان اشکال مختلفی پیدا خواهد کرد. آرمان‌ها و اصول توسعه پایدار، مفاهیم گسترده‌ای را در بر می‌گیرد؛ از جمله: برابری بین نسلی، برابری جنسیتی، تعادل اجتماعی، کاهش فقر، حفاظت و احیا محیط زیست، حفاظت از منابع طبیعی و ایجاد جوامعی که صلح بر آنها حاکم است (WED, ۱۹۸۷).

## ۲-۴- برنامه های توسعه در ایران

تفکر توسعه یعنی احساس نیاز، اندیشیدن و حرکت در راستای آن، نیازمند ساختاری عقلانی است، که ریشه در مدرنیته دارد. شواهد نشان می‌دهند که طی سال‌های ۱۹۸۰ تا ۹۰ نظریات متعددی در مورد جهت‌گیری توسعه در ایران ارایه شده است که هر یک بر قالب و قواعد خاصی تأکید دارند. بنابراین می‌توان جلوه‌هایی از جدال تئوریک در مورد نظریه‌پردازی توسعه در ایران را مشاهده نمود (یزدانی و همکاران، ۱۳۹۰). برنامه توسعه، برنامه‌ای است که به دنبال ایجاد تغییر در ساختارها و نهادهای یک جامعه برای رسیدن به اهداف عالی و چندگانه در حوزه‌های اقتصادی- اجتماعی و علمی و فرهنگی است. برنامه‌ریزی توسعه فرایند پیچیده‌ای است که متضمن انتخاب اهداف اجتماعی، تعیین هدف‌های کمی، اشاعه و انتشار اطلاعات و همچنین سازماندهی چارچوبی برای اجرا، هماهنگی و نظارت بر فرایند برنامه‌ریزی است. در این فرایند، سازمان‌ها و کارگزاران متعددی در زمینه تهیه و تدوین و اجرای سیاست‌ها و خط‌مشی‌های اقتصادی، اجتماعی و به صورت عام توسعه‌ای در تعامل و کنش متقابل هستند. سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان، آمارشناسان و پژوهشگران و مردم از جمله عوامل اصلی فرایند برنامه‌ریزی توسعه به شمار می‌روند (محمودی و ماجدی، ۱۳۹۱). بعد از انقلاب اسلامی نیز به دلیل شرایط بحرانی ناشی از جنگ، تا مدتی عملاً اقدامی برای نوسازی و برنامه‌ای توسعه‌ای تصویب و به مرحله‌ی اجرا - توسعه‌ی ایران صورت نگرفت؛ اما در دهه‌ی دوم؛ یعنی سال‌های ۱۳۶۸ - ۷۸ درآمدند. هم‌اکنون نیز برنامه‌ی ششم توسعه‌ی کشور در حال بررسی و تصویب مجلس شورای اسلامی است (یزدانی و همکاران، ۱۳۹۰). مبنای این پیشرفت‌ها را در درجه‌ی نخست باید در کیفیت برنامه‌ها و سیاست‌های دولتی جستجو نمود یعنی همان چیزی که موضوع مطالعه‌ی علوم سیاست‌گذاری را تشکیل می‌دهد. برنامه‌های توسعه‌ی هر کشور از این منظر یکی از موضوعات پراهمیت در مطالعه‌ی سیاست‌های عمومی است. هر چه افراد مختلف به آموزش و پرورش و برنامه‌های کارآموزی متفاوتی نیاز پیدا می‌کنند و هر چه مسئولیت تصمیم‌گیری در سلسله مراتب سازمان به سطوح پایین‌تر تفویض می‌گردد به همان نسبت هم فعالیت‌های برنامه‌ریزی کلان و متمرکز ناکافی به نظر می‌رسد در چنین نظامی برنامه‌ریزی‌ها آموزش ابزار اصلی تغییر نگرش‌ها و باید در خدمت تصمیم‌گیرندگان سراسر نظام آموزش باشد (Verspoor, ۱۹۹۷).

دگرگونی ساختارهای اجتماعی و تعیین کننده الگوهای سیاسی جدی است و می‌تواند نقش مهمی در گسترش و انتقال مهارت‌های مربوط به مشارکت سیاسی داشته باشد. اما اشاره به این نکته ضروری است که برنامه‌های توسعه در هر کشور (که در ایران قبل از انقلاب در دوره های ۷ ساله و بعد از آن در دوره های ۴ ساله ترسیم شده اند) در سطحی خاص از برنامه‌ریزی قرار دارند که تنها در کنار سایر قوانین و برنامه‌های کشور عینیت می‌یابد. به بیان بهتر برنامه‌های توسعه در سطحی میانی قرار دارند. یعنی از یک سو باید سایه ی قوانین بالادستی یک کشور (مثل سند چشم انداز و سیاست‌های کلی) در آن حضور داشته باشد و از سوی دیگر باید بتواند قوانین پایین دستی را ساماندهی و نظم بدهد، تا از این طریق اهداف کلی مطرح در اسناد بالادستی به درستی حاصل شوند. لذا باید گفت برنامه‌های توسعه به لحاظ محتوا باید در سطحی باشند که بتوانند سیاست‌های کلی مطرح در استراتژی کلان هر کشور را به سیاست‌های میانی تفسیر کند، تا راه برای سیاست‌های اجرایی و جزئی در مسیر مورد نظر هموار شود به بیان بهتر تعیین هدف اولین و مهم‌ترین مرحله در تنظیم و تدوین برنامه توسعه است (یزدانی و همکاران، ۱۳۹۱).

### ۳- آموزش عالی یا دانشگاهی و اهداف اساسی آن

آموزش عالی مجموعه‌ای از دوره‌های تحصیلی است که متقاضیان می‌توانند پس از پایان تعلیمات متوسطه به آن راه یابند و دانشگاه به محلی اطلاق می‌شود که براساس دید اصولی، وارده‌های آن شامل سرمایه ساختمان، تجهیزات، برنامه، امکانات، نیروی انسانی و در نهایت دانشجویست (منصوری، ۱۳۸۸). هدف‌های عمده نظام آموزش عالی در هر کشور را می‌توان در ۴ محور خلاصه کرد:

- ۱- کمک به تحقق هدف‌های اجتماعی از طریق فراهم آوردن برابری در استفاده از فرصت‌های آموزش عالی؛
- ۲- برآوردن تقاضای اجتماعی برای آموزش عالی متناسب با انگیزه‌ها و انتظارات و تحصیلات افراد و تسهیل فرآیند یادگیری مستمر
- ۳- پرورش نیروی انسانی متخصص و مورد نیاز توسعه کشور و کمک به حل مسائل جامعه
- ۴- پیشبرد حرفه‌های دانش و تولید دانش نو (بازرگان، ۱۳۷۴)

### ۳-۱- تاریخچه خدمات دانشگاهی در ایران

در زمان ساسانیان نظام آموزش عالی ایران از کیفیت بسیار خوبی برخوردار بوده و در دوران طلایی تمدن اسلامی، ایران به اوج شکوفایی و خلاقیت رسیده و به طور بارزی بر سیستم آموزش عالی اروپا برتری یافته است؛ یکی از مزایا و خصوصیات جالب آموزش عالی ایران در آن زمان، تحصیل برای کسب علم بوده است، نه به دست آوردن

مدرک و به این دلیل، ملاک سنجش پیشرفت علمی، قابلیت و توانمندی یاد گیرنده و آثار علمی او بوده است. مزیت دوم آنکه بین استاد و دانشجو حد فاصل و مرزی وجود نداشته است. هر دو دانش پژوه، همراه و هم مقصد بوده اند. امتیاز سوم آنکه در تدریس، روش‌هایی به کار می‌رفته که متضمن تفهیم، تأمل، تجزیه و تحلیل و سازندگی مفاهیم بوده است، نه روش‌های حافظه‌ای. نظام آموزش عالی ایران که در زمان ساسانیان جنبه طبقاتی داشته و امتیازاتی برای اشراف زادگان و خواص دیگر قایل بوده است، در دوران شکوفایی تمدن اسلامی از قید و بندهای طبقاتی و تشریفاتی آزاد شده و ساختی منعطف و پویا پیدا کرده و از این نظر بر سیستم آموزش عالی آن زمان اروپا برتری یافته است. سیستم آموزش عالی ایران نقاط ضعفی هم داشته است از جمله اینکه اکثراً وابسته به دولت بوده است و از استقلال و مداومتی که دانشگاه‌های اروپایی برخوردار بوده اند، بی‌بهره بوده است. از آن چه که به اختصار راجع به تاریخچه خدمات دانشگاهی در ایران گفته شد می‌توان دریافت که نقش اساسی دانشگاه‌ها تا قبل از قرن بیستم، بیشتر پاسداری فرهنگ و انتقال میراث علمی نسل‌های گذشته به نسل‌های آینده، ساختن و پرداختن زیربنای فرهنگ علمی و بالا بردن وجه و اعتبار ملی بوده است ولی از قرن بیستم رسالت دانشگاه‌ها به عنوان کانون خلاقیت علمی و پویایی اجتماعی اهمیت حیاتی پیدا کرده است، به این دلیل رشد و توسعه آموزش عالی از نظر زمانی بر توسعه اجتماعی و اقتصادی پیشی جسته است (فیوضات، ۱۳۸۲).

### ۳-۲- رابطه آموزش عالی و ارکان توسعه ملی

با توجه به آنچه که گفته شد حال نوبت آنست که به بررسی رابطه میان آموزش عالی و ارکان توسعه که شامل توسعه اقتصادی، توسعه نیروی انسانی، توسعه اجتماعی، توسعه فرهنگی و توسعه سیاسی است بپردازیم.

### ۳-۲-۱- آموزش عالی و توسعه اقتصادی

توسعه اقتصادی به فرایندی اشاره می‌کند که هدفش به وجود آوردن رفاه جامعه از طریق افزایش تولیدات، استفاده بهینه از منابع طبیعی، بالا بردن سطح اشتغال و درآمد، توزیع عادلانه درآمد، مهیا کردن شرایط بهتر مصرف کالا و خدمات است؛ توسعه اقتصادی چیزی بیش از رشد اقتصادی است و می‌توان گفت که توسعه به معنای رشد به اضافه تغییر است (شیخعلی زاده و احمدی ۱۳۸۳). توسعه اقتصادی نیازمند حرکت به سوی علم و تکنولوژی، چه در تدریس و چه در تحقیق دانشگاهی است و اگر آموزش عالی به جای توجه زیاد به توانایی محض و دانش به سوی مهارت‌های حرفه‌ای و استعدادها سوق داده شود، نقش اقتصادی مؤثرتری ایفا می‌کند دانشگاه از دو نظر در توسعه اقتصادی مؤثر است: یکی از نظر تأمین نیروی انسانی کارآمد و یا افزایش کارایی و بهره‌وری افراد، دوم از نظر گسترش مرزهای دانش و فن و پیش بردن تکنولوژی. چون مسئولیت پرورش نیروی انسانی و افزایش بهره‌وری

و کارایی در سطوح بالای تخصص بر عهده دانشگاه‌هاست، بنابراین دانشگاه در توسعه اقتصادی نقش زیربنایی دارد. همچنین توسعه آموزش و پرورش به خصوص توسعه تعلیمات دانشگاهی احتیاج به منابع مالی و مادی دارد و چون منابع مالی و مادی محصول توسعه اقتصادی است یکی از مشکلات و تنگناهای اساسی کشورهای رو به توسعه از نظر رشد آموزش و پرورش به طور اعم و اخص این است که از عهده هزینه‌های سنگین بر نمی‌آیند. بنا بر آن چه که گفته شد، توسعه اقتصادی و توسعه تعلیمات دانشگاهی دارای رابطه متقابل و لازم و ملزوم یکدیگرند (مختاری پور، ۱۳۸۲).

### ۳-۲-۲- آموزش عالی و توسعه سرمایه انسانی

می‌توان به جرأت گفت که پایه و اساس توسعه اقتصادی و اجتماعی هر کشوری را نیروی انسانی ماهر و متخصص تشکیل می‌دهد. در واقع، نیروی انسانی متخصص عامل اساسی تحول و تکامل است، چراکه با درک و شناخت علمی قوانین حاکم بر پدیده‌های جامعه و طبیعت، راه تکامل را هموار می‌سازد. نیروهای متخصص توانمندی جامعه را در حل مسائل اقتصادی و اجتماعی بالا برده و آهنگ و قابلیت توسعه جامعه را تقویت می‌نمایند، و چنین نیروهایی صرفاً تحت آموزش منظم شکل می‌گیرند. از آغاز تمدن تا حال علم سرمایه عظیم و گران بهای انسانها و شاید بزرگترین نیرویی بوده است که بشر در اختیار دارد. در جهان امروز داشتن استقلال ملی، بهره مندی از توسعه و پیشرفت اقتصادی و برخورداری از رفاه اجتماعی، تنها به یاری سود جستن از پیشرفت های علمی و صنعتی میسر خواهد بود. از این روست که کشورهای صاحب توان جهانی، منابع انسانی و مالی فراوان را در خدمت بخش پژوهش های علمی قرار می‌دهند. هنگامی که از مدیریت منابع انسانی یا مدیریت امور کارکنان سخن گفته می‌شود، در واقع مجموعه وسیعی از فعالیت‌ها از قبیل گزینش، استخدام، نگهداری، آموزش، ایجاد نظام پرداخت حقوق و دستمزد، ارزیابی و ارتقا در نظر گرفته می‌شود. از این رو آموزش یا توسعه منابع انسانی زیرمجموعه یک نظام گسترده تر و فراگیرتر به نام مدیریت منابع انسانی است (ثابتی و همکاران، ۱۳۹۳). از دیدگاه نادر توسعه منابع انسانی عبارت است از آموزش‌های منظم در مدت زمان معین به منظور افزایش احتمالی رشد افراد در انجام دادن کارهایشان. نادر در توجیه هر یک از واژه‌های یادشده توضیح جامعی دارد. او در مورد انواع آموزش‌ها معتقد است که انجام دادن کارهایشان. نادر در توجیه هر یک از واژه‌های یادشده توضیح جامعی دارد. او در مورد انواع آموزش‌ها معتقد است که آموزش و یادگیری می‌تواند به دو صورت تصادفی و منظم صورت گیرند. آموزش و یادگیری می‌تواند به دو صورت تصادفی و منظم صورت گیرند (صادقی، ۱۳۸۳).

امروزه باید پیش بینی‌هایی در موارد مختلف نیروی انسانی ماهر و آموزش دیده مورد نیاز در طراحی توسعه آموزش فنی و آموزش عالی صورت گیرد، به دلیل این که تحقق میزان مطلوب آموزش برای رسیدن به اهداف از پیش تعیین

شده برای رشد تنها از این طریق میسر است. به طور کلی شرط اساسی شکوفایی و بالندگی هر جامعه در توسعه سرمایه‌های انسانی و تربیت آن نیز نهفته است و توسعه و تربیت نیز از طریق آموزش دانشگاهی محقق خواهد شد (ایران منش و کامرانی، ۱۳۸۳).

### ۳-۲-۳- آموزش عالی و توسعه اجتماعی

امروزه نقش زیربنایی آموزش و پرورش در توسعه فردی و توسعه اجتماعی به صورت یک باور درآمده و به همین دلیل است که به عنوان حقوق پایه‌ای بشر و ارزش عالم‌گیر انسانی به رسمیت شناخته شده است و حتی شأن و جایگاه آن به "قلب جامعه" تشبیه شده است. مراد آن است که نشاط و طراوت زندگی در جوامع به آن گره خورده است (ثابتی و همکاران، ۱۳۹۳). توسعه اجتماعی فرایندی است که ساختارهای اجتماعی را از شکل کهن به شکل نوین تغییر می‌دهد و نهادهایی ساخته می‌شوند که موجب انسجام و همبستگی در درون جامعه می‌شوند. راه‌هایی که آموزش می‌تواند به توسعه اجتماعی کمک کند، رشد اجتماعی، سازگاری اجتماعی، مشارکت اجتماعی و نوین‌سازی است. دانشگاه به عنوان سرسیستم رسمی آموزش، کانون پرورش نخبگان، برگزیدگان و کارگزاران آتیه کشور است. دانش و بینشی که این افراد در دانشگاه پیدا می‌کنند و به صورت قابلیت‌ها و توانایی‌های فنی و تخصصی و نگرش‌ها و گرایش‌ها در آنان ظاهر می‌شود، عامل بسیار مؤثری در شکل‌گیری خوی و منش اجتماعی و سوگیری سیاسی آن‌هاست و در حقیقت آینده اجتماع را پی‌ریزی می‌کنند (شیخعلی زاده و احمدی، ۱۳۸۳).

### ۳-۲-۴- آموزش عالی و توسعه فرهنگی

توسعه فرهنگی را باید: "افزایش ظرفیت خلاقیت و نوآوری در ارزش‌ها و رفتارهایی دانست که آدمیان در زندگی روزمره آن‌ها را به کار می‌گیرند و با آن زندگی می‌کنند" (رئوفی، ۱۳۷۴). برای رسیدن به این مهم هدف‌های آموزشی یک جامعه باید حامل پیام‌های خلاق باشد؛ به باور بسیاری از متفکران در دنیای پرتغیر قرن بیستم، آموزش آفرینندگی و ایجاد قدرت خلاقیت در آموزش یابندگان، مهم‌ترین مسئولیت پرورشی نظام آموزشی به ویژه دانشگاه‌هاست (کیوانفر، ۱۳۷۴). یکی از ابعاد بسیار مهم توسعه ملی، توسعه و باروری فرهنگ حاکم بر جامعه است، چه پیش شرط هر گونه توسعه‌ای توسعه فرهنگی است. توسعه بدون دستیابی به فرهنگ خاص آن امکان‌پذیر نیست؛ توسعه در تمام ابعاد آن به شدت تحت تأثیر باورهای فرهنگی است، از این رو باید فرهنگ را محور همه برنامه‌های توسعه قرار داد. این بعد از توسعه را می‌توان در هشت حوزه زیر خلاصه کرد:

۱. دسترسی به فرهنگ

۲. آموزش و پرورش فرهنگی و هنری

۳. ارتقای خلاقیت و نوآوری

۴. تشویق فرهنگ عامه و فرهنگ سنتی

۵. تقویت هویت فرهنگی

۶. ارتقای مبادلات فرهنگی

۷. حفظ میراث فرهنگی

۸. توسعه نگرش‌های قطعی درباره فرهنگ (شیخعلی زاده و احمدی، ۱۳۸۳).

از جمله مواردی که آموزش و پرورش و به خصوص آموزش عالی می‌تواند به توسعه فرهنگی کمک کند و در توسعه فرهنگی مؤثر باشد، حاکم شدن نگرش علمی هر فرهنگ جامعه، فرهنگ‌پذیری، نظم‌پذیری جمعی، مسئولیت‌پذیری و خردگرایی مثبت است (رئوفی، ۱۳۷۴).

### ۳-۲-۵- آموزش عالی و توسعه سیاسی

توسعه سیاسی به تعبیری نهادینه شدن سیاست است. در این توسعه، قانون معیار و ملاک اصلی برای هر گونه تفوق افراد بر یکدیگر شمرده و حکومت حق عمومی مردم تلقی می‌شود. در توسعه سیاسی همه ساختارهای قدیمی در شکل نوین به جامعه عرضه می‌شوند و افکار و اندیشه‌های مناسب در جامعه قدیمی که عموم آ به صورت پیروی از برتری عده‌ایی بر عده دیگر است متحول و اصول سیاسی نظیر برابری و آزادی مطرح می‌شود (میرشار، ۱۳۷۹). در مورد توسعه سیاسی بین نظام سیاسی و نظام آموزشی همه کشورها ارتباط‌ها یا اختلافاتی وجود دارد و به نظر می‌رسد که رابطه نظام آموزشی و سیاسی رابطه‌ای به اصطلاح دیالکتیکی باشد؛ یعنی هم حمایت و هم نقد باشد. بدون این رابطه متقابل توسعه سیاسی نمی‌تواند وجود داشته باشد (بشریه، ۱۳۸۲).

هر اندازه که آموزش عالی در اشکال دولتی و خصوصی آن بتواند در سطوح گسترده‌تر و ژرفای عمیق‌تری از جامعه نفوذ کند، دامنه تأثیرات آن در اجتماع آشکارا چشمگیرتر خواهد بود، بررسی اجمالی درباره گسترش روند دموکراسی و توسعه سیاسی در کشورهای مختلف جهان نشان می‌دهد که بین این روند و افزایش کمی و کیفی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی در این کشورها رابطه نزدیک و معناداری وجود دارد؛ به عبارت دیگر، گسترش آموزش عالی در جوامع امروزی که با معیارهایی نظیر افزایش تعداد دانشجویان و مراکز عالی تحقیقاتی و آموزشی در کنار تربیت تحصیل‌کردگانی از قشرهای مختلف مردم سنجیده می‌شود، توسعه سیاسی را پایدار و طبیعی در ایجاد این زیرساخت‌های ضروری برای دست‌یابی به جامعه‌ای توسعه‌یافته که به صورتی تجربه کرده و گسترش



داده باشد، از پیش شرط‌های ضروری و اساسی تلقی می‌شود. لذا، تلقی بر این است که آموزش عالی نقش مهم و اساسی در مؤلفه محوری و کلیدی توسعه سیاسی یعنی مردم، حکومت و جامعه مدنی ایفا می‌کند و به خوبی می‌تواند دست‌یابی به توسعه سیاسی پایدار را در جامعه تسهیل و تضمین کند (اخوان کاظمی، ۱۳۸۳).

#### ۴- نقش سیاست های آموزش عالی در توسعه پایدار

امروزه رویکرد بین‌المللی و جهانی شدن آموزش عالی به صورت یک رویکرد غالب در آمده است و نسل جدیدی از دانشگاه‌ها ظهور کرده است که انتظاراتی جدید از آن در توسعه پایدار به ویژه در ابعاد انسانی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و تکنولوژی می‌رود. ظهور جامعه هوشمند و حاکمیت فرهنگ شبکه‌ای و تجلی دانشگاه‌های نسل جدید، از یک سو اهداف و مأموریت‌های جدیدی را برای دانشگاه‌ها ترسیم نموده است. و از سوی دیگر دست‌اندرکاران آموزش عالی نیازمند نگرشی هستند که به همه ابعاد توجه نموده و جای ساده‌سازی و تقلیل‌گرایی امور، به درک و فهم مسایل جهت تبیین، پیش‌بینی و حتی کنترل پدیده‌های آموزشی عالی بپردازند، چرا که برداشت سطحی و سنتی از نهاد آموزش عالی معاصر، به اتخاذ راهکارهای غیرمنطقی و کوتاه‌نگرانه منجر خواهد شد از این رو دستیابی به دیدگاهی جامع، عمیق و منعطف و پویا و سیستمی، نیازمند سیاست‌گذاری صحیح جهت برنامه‌ریزی راهبردی نظام آموزشی عالی می‌باشد (Halbse, 2014).

دستیابی به توسعه و رفاه یکی از اهداف مهم برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران در جوامع توسعه نیافته است که بسیاری از کشورهای جهان نیز سعی در ایجاد ارتباط بین آموزش عالی و توسعه و ارتقای دانش و فناوری دارند، از این رو، سیاست‌های توسعه به آموزش خصوصاً آموزش عالی ارتباط دارد. یکی از نقش‌های مهم در این زمینه، تأثیر آموزش عالی بر توسعه اقتصادی است. برخی از محققان معتقدند هر نوع آموزشی که فرد می‌بیند در وی ظرفیت و قابلیت ایجاد می‌کند که می‌تواند درآمد بیشتری را در آینده به وجود آورد (طاهری و همکاران، ۱۳۹۴).

واقعیت این است که دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی به عنوان یک سیستم اجتماعی پیچیده در محیط خود فعالیت می‌کنند. لذا از یکسو از جهات مختلف علمی، آموزشی، خدماتی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بر محیط خود و تحولات آن اثر می‌گذارند؛ از سوی دیگر، خود از محیط و تحولات آن تأثیر می‌پذیرند. طبیعتاً مطلوب است که این تأثیر و تأثر تا آنجا که ممکن است به گونه‌ای بستر سازی و هدایت شود که بیشترین بهره را در توسعه جامعه و دانشگاه به ارمغان آورد. به همین روی، دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی به عنوان مراکز راهبردی در نظر گرفته می‌شوند که رشد و توسعه پایدار جوامع مستقیماً به کمیت و کیفیت محصولات آنها وابسته می‌باشد. برخی نیز دانشگاه‌ها را آخرین سنگر تمدن قلمداد نموده، بر این باورند که توسعه همه جانبه و پایدار کشورها منوط به پویایی دانشگاه‌ها به عنوان مرکز فرماندهی علمی و فکری است (یمنی و ترک زاده، ۱۳۸۸).

براین اساس، دانشگاه، سازمانی پایدار است که در سطح منطقه ای و جهانی، در اجرای وظایف اصلی آموزش، پژوهش و خدمات رسانی، رهبری جامعه در ترویج و مشارکت در کاهش اثرات منفی محیط اقتصادی، اجتماعی و بهداشتی ناشی از استفاده از منابع را برای انتخاب سبک‌های پایدار زندگی بر عهده دارد. بین سال‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۰ چندین سند بین‌المللی تنظیم شده است تا پایداری در آموزش عالی را تعریف نماید. مواردی از سیاست‌های آن عبارتند از:

- ✓ مأموریت‌های دانشگاهی باید توسعه پایدار را منعکس کند
  - ✓ پایداری باید در تمام رشته‌های دانشگاهی و الزامات آموزشی تخصصی، همچنین در پژوهش‌های هیئت علمی و دانشجویان ادغام گردد
  - ✓ تاثیر دانشگاه باید در سیستم‌های محیطی و اجتماعی اطراف، شناسایی و اندازه‌گیری شود
  - ✓ دانشگاه باید در سیستم جذب، تصدی و ارتقای خود، تعهد به پایداری را نشان دهد
  - ✓ دانشگاه نسبت به آثار محیطی خود آگاه است، به پایداری در تولید و مصرف خود تعهد داشته و شیوه‌های پایداری را در تمام فعالیت‌های خود وارد کند (مقدسی و رضوی، ۱۳۹۳).
- سیاست‌های مؤسسات آموزش عالی، در آموزش برای توسعه پایدار صرفاً به آموزش‌های رسمی در کلاس درس محدود نمی‌گردد، بلکه انجام پژوهش‌های تحقیقاتی، متناسب سازی فضای فیزیکی و زیرساخت‌های دانشگاه، ارائه خدمات تخصصی به جامعه، زندگی دانشجویی، برگزاری همایش‌ها و سمینارهای علمی، آموزش‌های کوتاه مدت، انتشار تولیدات علمی (کتاب، مقالات و ....) تاثیر بسیار مهمی در افراد جامعه برای تحقق توسعه پایدار ایفا می‌کند. نظام عالی آموزش نقش اساسی و محوری در فرایند توسعه ملی و ایجاد موازنه بین ابعاد مختلف توسعه یافتگی کشور دارد. سرمایه‌گذاری خصوصی در این بخش در واقع، ایجاد امکانات و تسهیلات برای نسل‌های آینده و اقدام صحیح در جهت توسعه علمی کشور به شمار می‌رود. به موازات این سرمایه‌گذاری، انتظار معقول و به حق جامعه از نظر آموزش عالی، ایفای نقش اصولی و موثر در ساختار توسعه پایدار است (مقدسی و رضوی، ۱۳۹۳).

جدول ۲. کیفیت در سیاست‌گذاری آموزش عالی (عباسی و شیره پزآرانی، ۱۳۹۰)

### محتوای سیاست‌ها

محتوای آموزش شامل تربیت دینی همراه با آموزش، ویژگی‌های هیات علمی و شرایط مناسب و تسهیل‌کننده یادگیری

نگاه متوازن به رشته‌های علمی و رشد کیفی در کنار رشد کمی

طراحی و استقرار نظام جامع اعتبارسنجی، رتبه بندی و تضمین کیفیت در نظام آموزشی

تعیین شاخص‌های ارزیابی دانشگاه‌ها

ایفاء بسیاری از رسالت‌های امروزی دانشگاه در قبال جامعه، از قبیل مشارکت در توسعه پایدار اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از طریق پژوهش، نوآوری و توسعه یا انتقال فناوری‌های مورد نیاز جامعه، تربیت نیروی انسانی متخصص و مورد نیاز بازار کار و جامعه، توسعه و تعالی سرمایه انسانی جامعه (توسعه فردی و تعمیم آموزش عالی در یک جامعه فراگیر)، ارتقاء فرهنگ و تمدن و صیانت از ارزش‌ها و سلامت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و ... تنها با تکیه بر این مزیت نسبی دانشگاه یعنی استقلال و آزادی علمی میسر و معنی‌دار می‌شود (فتح‌اللهی و همکاران، ۱۳۹۴). در نتیجه بهبود کیفیت فعالیت‌های نظام‌های آموزش عالی به منظور پاسخگویی به چالش‌های پیش‌رو همواره از سیاست‌های اصلی دست‌اندرکاران نظام‌های آموزش به خصوص آموزش عالی بوده است (عباس پور و شرفی، ۱۳۹۰).

### جمع بندی

واژه توسعه اگرچه مفهومی عام و قدیمی است و سابقه آن به شروع زندگی انسان باز می‌گردد، اما شکل و محتوای آن در دهه‌های اخیر از شدت، سرعت و کیفیت روزافزونی برخوردار گردیده و به صورت مشترک تمامی مسائل علمی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فنی درآمده و متضمن تغییرات اساسی در ساخت‌های نهادی، اجتماعی، اداری و حتی آداب و رسوم است. با این برداشت، توسعه چیزی بیش از نوسازی و رشد اقتصادی خواهد بود. اگرچه توسعه اقتصادی به مفهوم مادی و ابزاری آن به سبب شاخص‌های عینی‌تر بر توسعه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی غلبه پیدا کرده است، اما باید اذعان داشت که پیشرفت هر ملت تنها وابسته به افزایش درآمد ملی نیست

بلکه این امر مستلزم توسعه در همه ابعاد از جمله افزایش سطح آگاهی، بلوغ فکری، فرهنگی و سیاسی، و تحول و دگرگونی در همه ابعاد زندگی است. با این رهیافت، توسعه به مثابه سایر پدیده‌ها، متغیر وابسته‌ای است که علل و عوامل مختلفی در آن نقش آفرین‌اند؛ یکی از مهم‌ترین این متغیرها، آموزش عالی است. در عصر جدید و در کشاکش رقابت میان جوامع، کشورها در تلاش هستند تا نقش آموزش و به ویژه آموزش عالی را در توسعه پایدار و ارتقای دانش و تکنولوژی مورد توجه قرار دهند. از این‌رو نقش آموزش عالی در توسعه اجتناب‌ناپذیر است. در واقع می‌توان گفت که یکی از پرارزش‌ترین منابعی که جامعه در اختیار دارد، دانشگاه است. در غالب کشورهای پیشرفته و کشورهای در حال توسعه، حل مسائل و رفع نیازمندی‌های اهداف توسعه ملی را دانشگاه و دانشگاهیان تحقق بخشیده‌اند. اختلاف اصلی که باعث تفاوت معنادار بین وضعیت کشورهای پیشرفته و توسعه یافته و کشورهای در حال توسعه شده است، نوع نگرش آنها به توسعه علمی و ارزش‌گذاری آنان به این عامل حیاتی و پایه اصلی توسعه است. هر چه آموزش بیشتر و با کیفیت بهتر ارائه شود، توسعه پایدار سریع‌تر صورت خواهد پذیرفت. دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی به عنوان شاخص‌ترین نهاد علمی که به امر پرورش انسان‌ها اهتمام می‌ورزد، موتور محرکه و مغز متفکر جامعه بوده و سکاندار حرکت به سمت توسعه پایدار می‌باشد. ماهیت بلندمدت بودن توسعه پایدار کشورها را به سمت طراحی نظام برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری توسعه پایدار به جای تدوین یک برنامه جامع توسعه سوق داد و این امر تبدیل به دستور کار جهانی در قالب اسناد توسعه پایدار نمایان گشت. در نتیجه این تحولات، تدوین استراتژی ملی توسعه به عنوان ویتترین نظام برنامه‌ریزی توسعه پایدار در کشورهای مختلف گسترش یافت. روند سیاست‌گذاری نظام آموزش عالی در ایران حاکی از آن است که آموزش عالی باید ضمن توجه به بحران افزایش کمی و تنگنای مالی، به حفظ، بهبود و ارتقای کیفیت نیز بپردازد. این نظام در صورتی از عهده وظایف و اهداف خود در جهت توسعه پایدار بر می‌آید که از نظر کیفیت آموزشی نیز در وضعیت مطلوبی باشد.

## منابع

۱. اخوان کاظمی، مسعود (۱۳۸۳). آموزش عالی و توسعه سیاسی پایدار، تهران، مجموعه مقالات همایش آموزش عالی و توسعه پایدار، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.
۲. اکبری، احمد، دیهیم، جواد، دهنوی، مریم (۱۳۹۵). نقش سیاست‌های آموزش عالی در تحقق برنامه‌های توسعه پایدار، فصلنامه مطالعات مدیریت و حسابداری، دوره دوم، شماره سوم، صص ۷۳-۵۴.
۳. ایرانمنش، مهدی، کامرانی، احسان (۱۳۸۳). نقش آموزش عالی در توسعه پایدار، مجموعه مقالات همایش آموزش عالی و توسعه پایدار مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.
۴. آذر، عادل، غلامرضایی، داوود، دانایی‌فرد، حسن (۱۳۹۲). طراحی مدل تحلیل سیاست‌های آموزش عالی کشور با استفاده از پویایی سیستم، فصلنامه علمی پژوهشی سیاست علم و فناوری، سال پنجم، شماره ۴، صص ۱۹-۱.
۵. آراسته، حمیدرضا، امیری، الهام (۱۳۹۱). نقش دانشگاه‌ها در آموزش توسعه پایدار، نشریه نشاء علم، سال دوم، شماره دوم، صص ۳۸-۲۹.
۶. بازرگان، عباس (۱۳۷۴). ارزیابی درونی دانشگاه و کاربر آن در بهبود مستمر کیفیت آموزش عالی؛ فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، شماره ۲ و ۲، سال سوم، صص ۲۸-۱۸.
۷. بشیریه، حسین (۱۳۸۲). میزگرد دانشگاه و توسعه، دفتر دانش، سال اول، شماره دوم و سوم، صص ۲۵-۱۵.
۸. تودارو، مایکل (۱۳۷۰). توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه غلامعلی فرجادی، تهران: سازمان برنامه و بودجه.
۹. ثابتی، مریم، همایون، محمد، احمدی، فخرالدین (۱۳۹۳). نقش آموزش عالی در توسعه ملی، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال ششم، شماره چهارم، صص ۶۹-۵۹.
۱۰. دارابی، سلمان و نیستانی، محمدرضا و میرزایی فر، داود (۱۳۹۲). بررسی مقایسه‌ای میزان کاربست مؤلفه‌های برنامه‌ریزی استراتژیک در توسعه پایدار آموزش و پرورش شهرهای اصفهان و کرمانشاه، دو فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی آموزشی، سال دوم، شماره چهارم، صص ۱۳۶-۱۰۱.
۱۱. دیرباز، عسگر و دادگر، حسن (۱۳۸۶). نگاهی به اسلام و توسعه پایدار، تهران: کانون اندیشه جوان.
۱۲. رئوفی، محمد (۱۳۷۴). دانشگاه و توسعه فرهنگی، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، سال سوم؛ شماره سوم، صص ۵۸-۴۵.
۱۳. زاهدی، شمس‌السادات (۱۳۸۶). توسعه پایدار. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.
۱۴. شیخ‌علی زاده، سیاوش، احمدی، عزت‌الله (۱۳۸۳). آموزش عالی، دانشگاه و توسعه ملی، مجموعه مقالات آموزش عالی و توسعه پایدار، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش، انجمن آموزش عالی ایران.

۱۵. صادقی، زینب، محتشمی، رضا، میری، امیر، صادقی، سبحان (۱۳۹۰) خلاقیت در آموزش عالی؛ گامی اساسی در جهت توسعه پایدار، مجله راهبردهای آموزشی، دوره سوم، شماره اول، صص ۲۸-۲۰.
۱۶. صادقی، عباس، انوری، صدور (۱۳۸۳). نقش دانشگاه و پژوهش دانشگاهی در فرآیند توسعه، مجموعه مقالات آموزش عالی و توسعه پایدار، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش، انجمن آموزش عالی ایران.
۱۷. طاهری، قدرت و انصاری، محمد رضا و ضیائیان، مامک (۱۳۹۴). آمایش در بخش آموزش عالی، ماهنامه برنامه، شماره ۴۸، صص ۴۱-۱۹.
۱۸. عباس‌پور، عباس، شرفی، محمد (۱۳۹۰). ارزیابی درونی در گروه مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی دانشگاه علامه طباطبایی، فصلنامه اندازه‌گیری تربیتی شماره ۵، سال دوم، صص ۱۵۹-۱۳۱.
۱۹. عباسی، محمدرضا و شیره پزآرانی، علی اصغر (۱۳۹۰). سیاست‌گذاری کیفیت آموزش عالی: چالش‌ها و چشم اندازه‌ها، پنجمین همایش ارزیابی کیفیت در نظام دانشگاهی، تهران، صص ۱۶-۱.
۲۰. عرب مازار، عباس و دادگر، حسن (۱۳۸۲). چارچوب اسلامی دستیابی به توسعه اقتصادی پایدار، مجموعه مقالات دومین همایش اسلام و توسعه، تهران: دفتر نشر معارف.
۲۱. عظیمی حسین (۱۳۷۱). مدارهای توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران. تهران: انتشارات شرفی.
۲۲. فراهانی فرد، سعید (۱۳۸۴). درآمدی بر توسعه پایدار در عصر ظهور، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، سال پنجم، شماره بیستم، صص ۱۳۶-۱۱۱.
۲۳. فیوضات، یحیی (۱۳۸۲). نقش دانشگاه در توسعه ملی، تهران: نشر ارسباران.
۲۴. کنذر، قحف (۱۳۸۴). توسعه پایدار در کشور اسلامی، ترجمه سعید و محمد فراهانی فرد، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۲۵. کهن، گوئل (۱۳۷۶). شاخص‌سازی در توسعه پایدار، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
۲۶. محتوای برنامه‌های توسعه آموزش عالی با تمرکز بر تغییرات ساختاری و کارکردی استقلال نظام دانشگاهی، فصلنامه، سیاست علم و فناوری، سال هفتم، شماره ۱، صص ۴۵-۲۷.
۲۷. محمودی، وحید و ماجد، وحید (۱۳۹۱) برنامه‌ریزی توسعه پایدار شهری با رویکرد برنامه‌ریزی هسته‌ای پیشنهادی برای برنامه‌ریزی توسعه پایدار شهری تهران، فصلنامه راهبرد، سال ۲۱، شماره ۴۶، صص ۷۱-۴۲.
۲۸. مشایخ، فریده (۱۳۸۲). فرایند برنامه‌ریزی آموزشی، تهران: انتشارات مدرسه.
۲۹. مقدسی، ملیحه، رضوی، شهرزاد (۱۳۹۴). نقش آموزش عالی در توسعه پایدار، مجموعه مقالات دومین همایش ملی مهندسی صنایع و مدیریت پایدار، اصفهان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد لنجان.

۳۰. ملکی نیا، عماد، بازرگان، عباس، واعظی، مظفرالدین (۱۳۹۳). شناسایی و اولیت‌بندی مولفه‌های دانشگاه پایدار، فصلنامه برنامه‌ریزی در آموزش عالی، دوره ۲۰، شماره سوم، صص ۱-۲۶.
۳۱. منصوری، رضا (۱۳۸۰)، دانشگاه و تعریف آن؛ فصلنامه رهیافت، شماره ۲۴.
۳۲. هریسون، دیوید (۱۳۷۳). جامعه شناسی نوسازی و توسعه، ترجمه، علیرضا کلوی، تهران: دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
۳۳. یزدانی، محمد رضا و نیک مرام، زین‌العابدین و قصری، اسداله (۱۳۹۰). برنامه‌ریزی توسعه؛ بررسی استراتژی توسعه اقتصادی در برنامه عمرانی پنجم، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، شماره هشتم، صص ۱۷۵-۲۰۴.
۳۴. یمنی دوزی سرخابی، محمد و ترک زاده، جعفر (۱۳۸۸). بررسی وضعیت برنامه‌ریزی توسعه دانشگاه‌های دولتی در ایران، فصلنامه انجمن آموزش عالی ایران، سال اول، شماره چهارم، صص ۱-۱۹.

## منابع لاتین

۱. Seers, D. (۱۹۶۹). "The Meaning of Development". International Development Review. Vol. ۱۱ No. ۱. PP. ۳-۴.
۲. The World Commission on Environment and Development (۱۹۸۷). "Our Common Future". Oxford University Press: New York
۳. Vers poor, R. (۱۹۹۷) Fund and Decentralization of Education system is Central and Eastern Europe. <http://www.ei.ie.org>. (August ۲۰۰۰)
۴. Barlett, P.F., Chase, G. W. (۲۰۰۴). "Sustainability on Campus: Stories and Strategies for Change". MIT Press, Cambridge, MA, P. ۳۲۷.
۵. Carlson, S. (۲۰۱۰). "۸۰-Million Gift to Cornell U. Supports Sustainability Programs". Chronicle of Higher Education, October ۲۸.
۶. United Nations Conference on Sustainable Development. (۲۰۱۲). "Available at: [www.uncsd۲۰۱۲.org](http://www.uncsd۲۰۱۲.org)"
۷. Landon, M. (۲۰۰۶). "Environment, Health and Sustainable Development". Open University Press, London, P. ۴.
۸. Halbse, peter. (۲۰۱۴). Multi-versity and university, what difference does it make? Journal of Golloquia, vol. 1. pp ۲-۱۶.